

کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی

یداله احمدی دیسفانی*
محمد علی آبادی**

چکیده

هدف مقاله جستاری در باب شکل شهر از منظر اندیشه اسلامی است. سؤال اصلی مقاله این است که چه مؤلفه‌های شکلی و غیر شکلی بر شهر سنتی حاکم است؟ روش کار به مانند روش اندیشمندان اسلامی در تحقیق است. از این رو استناد اصلی در تحقیق، قرآن و روایات و نظر اندیشمندان است که به عنوان معارف پایه و مقبولات در استدلال منطقی و استنتاج سود برده شده است. نتایج، بیانگر آنست که شهر سنتی دارای ارتباطی همه‌جانبه، زمینی و آسمانی است؛ یعنی زمین، سایه آسمان است. هدف از شهر سنتی، ایجاد بستر مناسب برای هدایت انسان به کمال یعنی همان بندگی است. در سایه بندگی، آرامش قلبی و امنیت برقرار می‌شود و بستر لازم برای ظهور عدالت به وجود می‌آید. شکل شهر سنتی به تبعیت از نظم طبیعت و به وجود آمدن نیازهای جدید داریم در حال تغییر و در عین گوناگونی دارای وحدت است. از سویی دیگر مسئولیت‌پذیری اجزا نسبت به هم باعث شده از طبیعت در شهر سنتی به اندازه و به جا استفاده شود. از آنجایی که هدف شهر سنتی انسان است و انسان دارای روح و جسم است؛ شهر سنتی نیز متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد و بنابراین قبل از برپایی شهر سنتی، بایستی انسان سنتی برپا شود. از این رو هدف در شهر سنتی برپایی کالبد شهر به تنهایی نیست.

واژگان کلیدی

سنت، سکونت، شهر سنتی، شکل شهر.

* پژوهشگر دوره دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۷۳۷۷۵۲۲
yahmadi@riau.ac.ir

** دکتری معماری. استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
mohammad.aliabadi@gmail.com

مقدمه

آیا دیدگاه سنتی برای سکونت‌گاه‌ها و شهرها، شکل یا مؤلفه‌های شکلی خاصی قایل است؟ لازمه دانستن و پاسخ سؤال این است که بدانیم سنت چیست؟ و سکونت‌گاه و شهر سنتی چگونه است؟ «مورس» در کتاب «تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی» به روند تاریخی- شکلی شهر اشاره دارد. وی در این کتاب دلایلی مانند امنیت را برای شکل‌گیری شهر برمی‌شمرد. همچنین او شکل‌هایی را برای شهرهای آرمانی از نظر معماران و شهرسازان سنت‌گرای گذشته ارایه می‌دهد [مورس، ۱۳۶۸: ۱۷۹-۲۴۳] نظر فرهنگی- اجتماعی «راپاپورت»، در مورد شکل شهر نیز از دیگر دلایل شکل‌گیری شهر است. وی با تردید بر «جبرشکل سازه» که ناشی از نظریه تکامل‌گرایی داروینیسیم به وجود آمده است؛ شکل خانه را نتیجه نیروهای فیزیکی مانند شرایط اقلیمی، سازه و روش‌های ساختمانی و مواد در دسترس نمی‌داند، بلکه این عوامل را عوامل درجه دو یا تغییردهنده می‌نامد و شکل خانه را نتیجه عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌داند. راپاپورت به عامل مذهب به عنوان نیروی محرکه‌ای مهم اشاره می‌کند [معماریان، ۱۳۸۴: ۳۸۱-۳۸۴].

مورد مطالعه بیشتر اندیشه اسلامی عرفانی است. فرضیه تحقیق آنست که: مؤلفه‌های شکلی در شهر سنتی اهمیت ندارد، بلکه در شهر سنتی مؤلفه‌های غیر شکلی دیگری دخیل هستند که به شکل شهر هویت می‌دهند. این مؤلفه‌ها گاه به صورت و شکل خاصی پدیدار می‌شود که به نظر می‌رسد ملاکی برای سنتی بودن شکل شهر نیست.

قبل از هر چیز لازم است معنای واژه‌های بکار برده شده در مقاله، روشن شود. از این رو به واژه‌هایی چون سنت، سکونت‌گاه و شکل به طور مختصر اشاره می‌شود.

سنت

بیشتر در مورد آنچه مربوط به گذشته است، بکار برده می‌شود. وقتی «شهر سنتی» یا «معماری سنتی» گفته می‌شود بیشتر توجه به گذشته و معماری گذشته معطوف می‌شود. اما منظور از سنت در این مقاله این نیست. البته با تعریف ارایه شده در این مقاله شاید این معنی پوشش داده شود. منظور از سنت بحث شکلی و پدیدارشناسانه نیست. سنت آن قانون تغییرناپذیری است که طبیعت بر آن پایه خلق شده است [رحمتی، ۱۳۸۷: ۴]. دیدگاه سنتی از جهت نظری نقطه مقابل تفکر مدرن است و از جهت عملی نسخه برتر تفکر مدرن است. تفاوت دیدگاه سنتی و مدرن در نحوه نگرش به هستی است. در دیدگاه مدرن از منظر علم به هستی نگرسته و تمام پدیده‌ها از این دریچه تفسیر و معنی می‌شود و هرچه در این چارچوب ننگند، بی‌معنا انگاشته می‌شود. اما در دیدگاه سنتی دریچه نظر به هستی دین است. یعنی انسان از طریق وحی به هستی می‌نگرد و آن را تفسیر می‌کند. از آنجا که در گذشته به این شیوه به هستی می‌نگریسته‌اند از این‌رو واژه سنتی آنچه مربوط به گذشته است را به خود گرفته است. پس از «گالیله» در پی عدم پاسخگویی متن مقدس مسیحیان (فرهنگ غالب اروپا) به سؤالات علمی مطرح شده توسط دانشمندان و ایجاد بحران در دیدگاه سنتی مسیحی؛ دیدگاه مدرن روز به روز قدرت بیشتری گرفت تا جایی که دیدگاه سنتی از جریان زندگی غالب مردم خارج و اثرگذاری آن به حداقل رسید. به نظر می‌آید مشکل در کل تفکر سنتی وجود نداشته، چون دیدگاه سنتی اسلامی دچار چنین مشکلی نبوده، زیرا به حاصل علم تجربی؛ به عنوان معرفت پایه که می‌تواند ماده برهان باشد؛ اهمیت می‌داده است. از این رو، دیدگاه سنتی اسلامی توانست پویاتر از دیدگاه‌های سنتی دیگر پا به عرصه زندگی اجتماعی بگذارد که از نتایج آن می‌توان انقلاب اسلامی ایران را نام برد.

تفاوت نگرش به طبیعت و هستی نوع رابطه انسان، طبیعت و معماری را مشخص می‌کند [گروتز، ۱۳۸۳: ۱۴۶]. در دیدگاه مدرن نوع رابطه انسان و طبیعت بیشتر نامرتبط (اتمیستی) و یا در نهایت رابطه سازوارانه (مکانیکی) است. در دیدگاه عرفانی اسلامی طبیعت و هستی یک کل به هم پیوسته و یکپارچه و به هم تنیده است که

«ابراهیمی» در باب شهر اسلامی اعتقادی به شکل و کالبد در معماری شهر ندارد، بلکه آن را آمیزه‌ای از جان و جسم شهر می‌داند: "دید مسلط در تمدن اسلامی که از رهنمودهای الهی ریشه گرفته به شهر چون آمیزه‌ای از «جسم» و «جان» نگرسته است. حیات شهر در گروه سلامت «کالبد» و «روح» آن است و از توازن و ملایمت یکی به بالندگی آن دیگری می‌توان راه برد ... هرگونه تلاش برای برپایی کالبد شهر اسلامی بدون کوشش برای رشد روح و جسمش بی‌ثمر خواهد بود" [۱۳۷۵: ۱۸].

به نظر نصر [۱۳۸۴] و داوری اردکانی [۱۳۷۵] هماهنگی اندیشه مردم شهر با نظام کیهانی از خصیصه‌های شهر سنتی است که می‌تواند اثرات شکلی از خود بجا بگذارد. از این رو از منظر معناگرایانه شکل شهر را می‌توان تفسیر کرد. اندیشمندان سنت‌گرا؛ با مینا قراردادن معماری گذشته سرزمین‌های اسلامی، تمام رفتارهای معمارانه معماران سنتی را در معماری و شهرسازی واجد معنا می‌دانند [استرلن، ۱۳۷۷]. «هردگ» شکل نقش جهان و انطباق آن با طرح حیاط مرکزی و خانه‌های مسکونی در یک نظم برخال (فرکتال) را به معنای امت واحده تأویل می‌کند. او کاربرد مصالح خشتی در کل شهر یزد را برای نمایش حس وحدت می‌داند. «کرایر» نیز گرایشی شکلی به معماری و شهرسازی دارد [معماریان، ۱۳۸۴: ۱۲۵].

این مقاله در پی کشف رابطه مؤلفه‌های کالبدی و غیر کالبدی شهر سنتی با جهان‌بینی سنتی است. نوع تحقیق کیفی است. منبع اصلی برای پاسخ به سؤال تحقیق، متون اسلامی به خصوص قرآن کریم، روایات معصومین علیه‌السلام، نوشته‌های اندیشمندان و کارشناسان معماری و شهرسازی است.

بر پایه فرضیه تحقیق کل اندیشه سنتی مورد نظر است، اما محدوده

تغییر در هر جزیی بر کل پیکره هستی، تأثیر می‌گذارد. اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سرپایی [شبستری، ۱۳۸۲: ۴۳]

با توجه به بیت بالا اگر فیزیک جدید قابل به آشوب در فیزیک طبیعت است، اما دیدگاه سنتی قابل به آشوب در تمام طبیعت است. از این رو واژه «سنتی» به معنی هر اندیشه‌ای است که قابل به نظم فراگیر در طبیعت باشد و کل هستی را در عین گوناگونی واحد و مرتبط ببیند.

سکونت و شهر یعنی چه؟

واژه دیگر «سکونت» است. این واژه عربی از مصدر ثلاثی مجرد سَكَنَ است که در قرآن در قالب‌هایی به آن اشاره شده است و غالباً به معنی آرام و قرار گرفتن و ساکن شدن و سکینه قلبی است [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۸۲]. این معنی درباره سکونت در بهشت [قرآن کریم: البقره، ۲: ۳۵] ساکن شدن در شب [قرآن کریم: القصص، ۲۸: ۷۲]، قرار گرفتن در زمین [قرآن کریم: النمل، ۶۱: ۲۷]، ساکن و آرام شدن در خانه [قرآن کریم: النحل، ۸۰: ۱۶]، آرام گرفتن با نماز [قرآن کریم: التوبه، ۹۰: ۳] یا آرام و قرار گرفتن زوج و زوجه در کنار هم آمده است [قرآن کریم: الروم، ۲۱: ۳۰ و الاعراف، ۷: ۱۸۹]. اما مهم‌تر از همه اینها، یاد خدا است که باعث آرامش و اطمینان قلبی است [قرآن کریم: الرعد، ۱۳: ۲۸ و النساء، ۹۰: ۱۰۳]. به نظر می‌رسد بر این پایه می‌توان ساکن شدن را مرتبه‌مند دانست و هر مرتبه‌ای را مربوط به یک ساحت وجودی انسان دانست. یکی از مراتب را می‌توان ایمان (یعنی وارد شدن به مقام امن الهی یا به امنیت رسیدن عقل) دانست که عبارت است از به اطمینان رسیدن نفس (که ناشی از بازگشت به سمت پروردگار و رضایت بنده و خشنودی پروردگار است و به معنی وارد شدن به خیل بندگان) و این همان وارد شدن به بهشت است [قرآن کریم: الفجر، ۲۷: ۸۹ تا ۳۰] که به معنی در بهترین پوشش (جَنَّة) قرار گرفتن است [قرآن کریم: الحاقه، ۲۲: ۶۹].

واژه سکونت به نوعی معنی آرامش و به قرار رسیدن را بیان می‌دارد. آرامش، قرار گرفتن و ساکن شدن وقتی به انسان دست می‌دهد که کشاکشی بین او و پیرامونش (اعم از انسان‌های دیگر، طبیعت و معماری) وجود نداشته باشد.^۲ به شهر اسلامی و سنتی «دارالسلام» نیز گفته می‌شود [ابراهیمی، ۱۳۷۵] و منظور از آن ورود اهل شهر سنتی به مقام امن است. بدین معنی که وقتی انسان مؤمن می‌شود یعنی به سرای امن وارد شده است، او با پیرامون و طبیعت هیچ کشاکشی ندارد و در رفق و وفق و در نتیجه سلام است.^۳ «داوری اردکانی» آسایش در زمین را در سایه انس و سازگاری با طبیعت می‌داند [۱۳۷۵: ۱۱].

در دیدگاه امام علی علیه‌السلام، عدل "قراردادن هر چیز در جایش یا قرارگاهش"^۴ است. به نظر می‌رسد برای قرارگیری و قرار گرفتن هر چیز قرارگاهی وجود دارد. «قرار» نقطه مقابل «اضطراب» است. مضطرب در حال لرزش و بی‌قراری است. انسان اگر در زمین به قرار برسد، آرام می‌شود و اگر به قرار نرسد نآرام و مضطرب است.

اگر انسان به قرار برسد در شهر سنتی وارد شده است که از آن به «دارالسلام» نیز یاد شده است.^۵ واژه دارالسلام درباره بهشت نیز آمده و از ویژگی‌های آن نبودن گناه و سخن بیهوده و دروغ است.^۶ این سکونت‌گاه از یک کلبه^۷ و تا تمام دنیا قابل توسعه است.^۸ پس شهر سنتی محدودیت فیزیکی ندارد. چون دل انسان که قرار می‌گیرد، جا و محدودیت فیزیکی ندارد. قرارگاه جسم انسان می‌تواند متناسب با اندازه جسم انسان باشد و قرارگاه دل انسان نیز متناسب با نفس و دل انسان، وسیع یا محدود می‌تواند باشد. حکمایی چون «فارابی» در پی تبیین و تشریح همین مدینه بوده‌اند. مدینه فاضله فارابی کالبد و شکل ندارد، بلکه بیشتر به اندیشه اهل مدینه و رئیس و قانون حاکم بر این مدینه پرداخته است. واژه سکونت‌گاه یا شهر با عنوان بلد^۹ نیز در قرآن آمده است و به طور عام به «سرزمین» گفته می‌شود که می‌تواند مسکونی باشد یا نباشد. مثل کوه‌ها و دشت‌ها که شهرها و روستاها را نیز شامل می‌شود [فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۴۲] و [مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۲۷] واژه بلد امن نیز در قرآن درباره مکه بکار رفته است [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵] با کنکاش در متون مذهبی و ادبی چنین می‌توان دریافت که آنچه در قرآن درباره مکه آمده به طور اجمال و اشاره است و خطاب اصلی درباره مقام امن، کل شهرهایی است که در آن بندگی خدا می‌شود. پس می‌توان گفت: به مقام ابراهیم وارد شدن (در آیات مورد اشاره) یعنی ورود به اندیشه خدامحور و نقطه کمال در اندیشه خدامحور، بندگی است [الجرجانی، ج ۱: ۳۳۶-۳۳۱]. البته ابراهیمی بر پایه واژگانی که در قرآن کریم آمده است با جدا دانستن «دایره معانی» قریه، بلد، مدینه، حول، ناحیه اشاره به معیار جمعیتی کالبدی و معیار غیر کالبدی دارد [۱۳۷۵: ۱۸].

باتوجه به متن بالا از معنی «ام‌القراء» می‌توان چنین نتیجه گرفت که این شهر نمونه‌ای برای دیگر شهرها باشد؛ زیرا واژه «ام» در عربی به معنی مادر و اصل هر چیز آمده که دیگر چیزها از آن انشقاق یافته است [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۳].

شکل و وجوه آن

واژه «شکل» هم در این دیدگاه دارای وجوه متفاوتی (و لایه لایه) است. دو وجه شکل را می‌توان یکی وجه مادی و دیگری وجه غیر مادی آن نام برد. شاید بتوان گفت که عرفای اسلامی از آن به «عین ممکن» و «عین ثابت» در معنایی بسیار وسیع‌تر، نام می‌برند. یعنی شکل، حالت فیزیکی یا حالت غیرفیزیکی به خود می‌گیرد. یکی غلیظ و دیگری رقیق و لطیف است [چیتیک، ۱۳۸۴: ۲۷ و ۳۳]. در این راستا واژه طبیعت نیز دارای چنین ابعادی است؛ یعنی دارای حداقل دو وجه پدیدار و غیرپدیدار است که البته بین آنها جدایی نیست و این جدایی از بابت فهم ذهن است. «ویلیام چیتیک» نظر «ابن عربی» را درباره طبیعت چنین می‌داند:

"طبق نظر ابن عربی اولین چیزی که در عالم حس به وجود می‌آید، "عرش" است. به نظر وی باید بین امور حسی مثالی و

(به خصوص استقرار ناقص) شاید نتواند برای شناسایی احکام ناپیدا، تمام حقیقت موضوع را رونمایی کند. راه دوم آنست که اگر روش پدیدارشناسانه و استقرایی به همراه تأویل توأم با تفسیر باشد، به حقیقت نزدیک‌تر است [حافظانیا، ۱۳۸۵ : ۴۱]. هرچند به نظر می‌رسد طبق نظر قرآن و به تبع آن اندیشه اسلامی از هر روشی؛ اگر درست حرکت شود چون حقیقت واحد است؛ به نتیجه واحدی می‌توان رسید [قرآن کریم : فصلت، ۵۳ : ۴۱]. در این مقاله از راه دوم بهره‌برداری شده و سعی شده مدل‌های جهان‌بینی سنتی-اسلامی و عرفانی ترسیم و تبیین شود و بر این پایه نایل به کشف مؤلفه‌های شکلی سکونت‌گاه سنتی (پیدا و ناپیدا) شد. از این رو آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیه‌السلام و نظر اندیشمندان به عنوان مقبولات در پایه استنتاج و مقدمات استدلال منطقی بکار گرفته شده است. از منظر معرفت‌شناسی به شیوه کل‌گرایی؛ در برخورد با معارف بدست آمده؛ عمل شده است.

رابطه نظم و جهان‌بینی در شکل شهر سنتی

برای ورود به بحث می‌توان چهار حالت در شکل‌گیری یک بافت سکونت‌گاهی تصور کرد :

۱. **تصادف** : قرارگیری هر واحد اضافه شونده، حاصل تصادف است. یعنی شکل‌گیری یک سکونت‌گاه و قرارگیری هر واحد در کنار واحد دیگر به طور اتفاقی است. به سختی می‌توان این نظر را پذیرفت، چون می‌توان بافت شکل‌گرفته در شهرها و روستاهایی که از پیش طراحی نشده‌اند، را دسته‌بندی کرد [احمدی دیسفانی، ۱۳۸۶ : ۸].

۲. **از پیش اندیشیده** : مانند نظمی است که از ابتدا توسط طراح به یک بافت داده می‌شود. اگر نظر طراح به وجود آوردن بافتی سازوارانه (مکانیکی) باشد؛ یعنی به طراحی بافت مانند طراحی یک دستگاه یا یک سامانه بسته بنگرد، یک بافت سامانه‌مند (سیستماتیک) به وجود می‌آید که ممکن است از نظر شکلی یک بافت منظم شطرنجی یا یک بافت منظم غیر شطرنجی باشد (تصویر ۱). اما در نظر علم جدید، طبیعت و طرح طبیعت ناشی از تفکر سازوارانه (مکانیکی) نیست. تبیین و تعریف جهان با نگرش نیوتنی منجر به طراحی سازوارانه می‌شود. شاید بتوان معماری مدرن را در این دسته‌بندی آورد.

"در تصویر معمول نیوتنی، انسان هیچ جایگاه ویژه‌ای در جهان ندارد، بلکه تنها یک ناظر است و آنچه در اطرافش رخ می‌دهد فقط می‌تواند به واسطه نیروهای خارجی و اثرات آنها تغییر کند. در این تصویر، با در نظر گرفتن جایگاه و اندازه حرکت هر شیء در جهان خارج و نیروهای مؤثر بر آن، هر چیزی در آینده به وقوع پیوست قابل پیشگویی بود و در صورتی که انسان هم در آن تصویر واقع می‌شد، حتی رفتارهایش هم قابل پیشگویی می‌شد. بدین ترتیب هیچ جایی برای اراده اختیاری باقی نمی‌ماند. در چنین جهانی هر چیزی از پیش تعیین شده بود و نه تنها آینده، بلکه گذشته هم از

امور حسی مادی تمایز قایل شد. بخشی از این تمایز مربوط به تفاوت "طبیعی" و "عنصری" است. به عنوان مثال "عرش" طبیعی است، ولی عنصری نیست. "طبیعت" فی‌نفسه موجود نیست ولی خواص و احکام آن در کل عالم حس، از عرش تا فرش، ظاهر می‌شود. در تحت عرش، موجودات نسبتاً کمی "عنصری" هستند که عبارتند از موالید سه‌گانه (معدن، نبات و حیوان). همه چیزهای دیگر، طبیعی‌اند، نه عنصری" [همان : ۱۸۷].

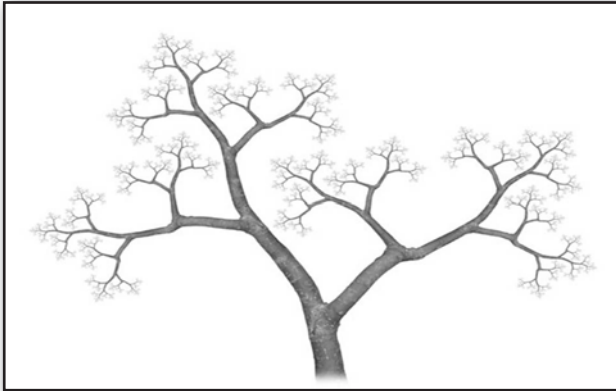
بر طبق اندیشه ابن عربی، طبیعت خیال است یعنی بین هست و نیست قرار دارد. از یک سو هست و از سوی دیگر نیست. از این رو واژه خیال بر طبیعت می‌نهد [همان : ۴۳]. به عبارتی هر جز در طبیعت نماد و نماینده دو سوی طیف است؛ یعنی در آن واحد هم هست و هم نیست. هم ظاهر است هم باطن، هم درون است هم بیرون. شکل شهر سنتی نیز بر همین اصل حداقل دارای دو وجه است که یکی جاودان و تغییرناپذیر و وجه دیگر متغیر و میراست.

سابقه تاریخی تفکر سنتی

وجود نظم و ناظم در طبیعت و اعتقاد به آن یکی از مؤلفه‌های شاخص تفکر سنتی در برابر تفکر غیر سنتی است. در تفکر سنتی، طبیعت ناظمی دارد و یگانگی قواعد طبیعت از نظر نقلی و عقلی دلیل وجود ناظم واحد است. اما تفکر غیر سنتی قایل به ناظم نیست. از این رو در تفکر سنتی در کثرت و گوناگونی در طبیعت پی به وحدت در طبیعت می‌برند و در تفکر غیر سنتی از کثرت به کثرت می‌رسند. تقریباً تمام اندیشمندان اسلامی در دسته متفکرین اندیشه سنتی دسته‌بندی می‌شوند و در اندیشه غربی نیز تمام اندیشمندان خداباور که قایل به نظم و ناظم هستند [دیلمی، ۱۳۷۶ : ۴۵] را می‌توان در دسته اندیشمندان سنتی جای داد. از گالیله به بعد به تدریج تفکر غیر سنتی در غرب قوت می‌گیرد. هرچند تفکر غیر سنتی در قبل از آن نیز در غرب وجود داشته است [همان : ۲۱-۴۵]. نمود تفکر سنتی، تسلیم بودن در برابر امر خداوند در تمام شؤون زندگی است. از این رو جامعه سنتی یک جامعه خدامحور است در صورتی که در جامعه غیر سنتی هر چیز دیگری می‌تواند محور باشد.

روش کار

برای تحقیق درباره شکل سنتی شهر و سکونت‌گاه‌ها از منظر جهان‌بینی سنتی به دو شیوه می‌توان عمل کرد : اول آنکه شهرهای سنتی را که همگان بر سنتی بودن آنها اتفاق نظر دارند، انتخاب و مؤلفه‌های شکلی این شهرها را شناسایی کرده و سعی در تبیین دیدگاه سنتی درباره شکل شهر کرد (این مسیر دشوار است زیرا چنین اتفاق نظری در میان اندیشمندان وجود ندارد). بدین ترتیب با روش استقرایی تحقیق میسر می‌شود و احکام استخراجی آن ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و حتی زمان و مکان واحد، گوناگون باشد. از این رو، روش پدیدارشناسانه و استقرایی



تصویر ۲. یک درخت که بر پایه هندسه برخال طراحی شده است. مأخذ : www.mathartfun.com

Fig2. A tree which has been drawn based on the geometric fractal design. Source: www.mathartfun.com



تصویر ۱. طرح یک دهکده ساحلی. مأخذ : <http://www.ethic.ly>
Fig1. Design of a beach village. Source: <http://www.ethic.ly>



تصویر ۳. تصویر نقاشی شده یک سکونت‌گاه روستایی در کشور لیبی. مأخذ : www.libyana.org

Fig 3. A drawing of a village in Libya. Source: www.libyana.org



تصویر ۴. طرح طبیعی گل خشک شده. مأخذ : www.shutterstock.com

Fig 4. Natural design of a dried out flower. Source: www.shutterstock.com

پیش تعیین شده می‌بود. به عبارتی دیگر، دانستن همه آنچه که قبلاً اتفاق افتاده است، به اندازه همه آنچه که در آینده واقع می‌شود با قاطعیت کامل امکان‌پذیر می‌بود" [ولف و دیگران، ۱۳۸۴ : ۱۴۷].

۳. **نظم طبیعی** : برای شروع به شکل‌گیری یک سکونت‌گاه بدون آنکه در ابتدا طرحی برای قرارگیری هر یک از خانه‌ها در نظر باشد. اولین سلول تحت تأثیر عوامل مختلف طبیعت (شکل زمین، اقلیم و انسان سازنده) شکل گیرد. وقتی سلول دوم وارد می‌شود علاوه بر عوامل فوق، که در شکل‌گیری سلول اول مؤثر بود، انرژی‌های دیگری بر شکل‌گیری مؤثر است مانند : حریم و قلمرو، امنیت و کفایت انرژی محیط. حال اگر واحدها همین طور اضافه شوند میل به نظم بیشتر احساس می‌شود. منتهی این نظم نمی‌تواند یک نظم سامانه‌مند سازوارانه باشد. بلکه یک نظم سامانه‌مند شبه طبیعی است. چنین به نظر می‌رسد این نظم بیشتر شبیه نظم موجود در پدیده‌های طبیعت است. مانند یک شاخه درخت که نظم آن بر پایه هندسه برخال (فرکتال) است (تصاویر ۳ تا ۴). در فیزیک کوانتوم طرح طبیعت و هستی تفاوت دارد از آنچه قبل از آن تصور می‌شد. شناخت اشیا و درک آنها در فیزیک کوانتوم متحول شده و فضا و مکان و درک آنها پیرو اصل عدم قطعیت است.

"تا زمان کشف نظریه جدید کوانتوم تصور می‌شد که جهان مادی و تفکر ما درباره آن کاملاً جدای از یکدیگر باشند. فیزیک کوانتوم به ما نشان داد آنچه به تصور می‌آوریم همان چیزی است که می‌بینیم. به عبارت دیگر، تصور ما از جهان و شیوه‌ای که جهان به نظرمان می‌رسد به طور بنیادینی به هم ربط دارند. نمی‌توانید در مورد یک شیء متحرک هر دو خصوصیت موقعیت و اندازه حرکت را بدانید. اگر یکی را از این دو با دقتی کامل تعیین کنید، تمامی اطلاعات در مورد دیگری را از دست خواهید داد" [همان، ۱۳۸۴ : ۱۰۳].

شاید بتوان معماری طبیعی (ارگانیکی جدید یا پیدایش کیهانی) را در این دسته‌بندی قرار داد. روش شناخت معماری در این سامانه، پدیدارشناسی هرمنوتیکی است. یعنی برای شناخت معماری تمام عوامل وابسته و تأثیرگذار باید مد نظر محقق معماری و طراح

نیکی و پرهیز از بدی و بازداشتن دیگران از گرایش به بدی در آرمان شهر سنتی یک اصل است. زیرا اهل این مدینه نسبت به سرنوشت کل طبیعت مسئولند [ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۹] و خود هم در این سامانه، جزیی از آنند و سرنوشت معمار و طبیعت و مردم به هم گره خورده است.

ویژگی‌های شهر سنتی

• شهر حکیمانه، معماری حکیمانه یا شهر بندگی

تمام اعمال عبادی در آیین اسلام، بیانگر بندگی انسان است [حسینی جرجانی ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳۷]. خلقت انسان برای بندگی خداست [قرآن کریم: الذاریات، ۵۶: ۵۱]. از این رو هر تلاشی برای برپایی شهر و هر فعالیتی در شهر اگر بر پایه بندگی خدا باشد، یک شهر سنتی است. بنده مانند صاحب خود عمل می‌کند و آن می‌کند که او می‌کند. در این حالت کار معمار همانی است که خدا می‌خواهد. به عبارتی، معمار دست و بازوی خدا می‌شود. یا به عکس، خدا دست و بازوی معمار می‌شود.^{۱۲} شکل معماری و شهر در این حالت حکیمانه است. بنا بر تعریف، هر کار حکیمانه، عمل نمودن بر پایه برترین علم‌ها است. برترین علم‌ها نیز نزد دارنده آن است و علم خود را به بنده‌ترین بندگان خود اعطا می‌کند.

• شهر امن

امنیت^{۱۳} در فهم لغوی دارای معانی مختلفی است که بیانگر مراتب است. گاهی امنیت به معنی در امان بودن از گزند دشمن است و گاهی به معنی در امان بودن از هر نوع گزند است. از نظر «موریس» امنیت به معنی در امان بودن از گزند دشمن است. در امان بودن از هر گزندی نیاز به شناخت تمام گزندها دارد. انسان به پیرامون خود و گزندهایی که ممکن است بر او وارد شود به طور کامل واقف نیست. از این رو بهتر آنست که در پناه خدا امان گیرد. زیرا او آگاه‌تر به هر کس و هر چیز است. مکه که شهر امن از آن یاد شده است (اگر به عنوان نمونه برای یک شهر اسلامی و سنتی بتوان از آن یاد کرد و آداب حج نیز اگر نمادی از زندگی سنتی باشد) دارای هر دو وجه امنیت است. امنیت مورد اشاره در اندیشه سنتی دارای مراتب است که تمام مراتب در جهت امنیت قلبی انسان است که آرامش و سکون اشاره شده در ابتدای مقاله در اثر این امنیت حاصل می‌شود.^{۱۴} از این آرامش تمام اجزای طبیعت بهره‌مند می‌شوند. پیروی از دستور ربی طبیعت (که همان بندگی است) این آرامش را به وجود می‌آورد. زیرا ربی طبیعت به تمام گزندهای طبیعت آشناست و به مربای خود توسط دستوراتش گوشزد می‌کند. بنابراین مصداق عملی امنیت، جاری شدن آرامش در تمام فعالیت‌های زندگی بشر است. از این رو در شهر اسلامی هیچ کشاکشی مشاهده نمی‌شود و از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اشکال و احجام معماری و شهرسازی بیانگر سکون و آرامش هستند. شاید نظم حاکم بر فضاهای سنتی ناشی از این دیدگاه به

معماری باشد (مانند پدیدارشناسی هرموتیکی). اما اگر هرچیز به تنهایی شناخته شود (مانند پدیدارشناسی کلاسیک) رابطه شیء به دیگر اشیاء نادیده گرفته می‌شوند. در این صورت اطلاعات زیادی ناشناخته می‌ماند. معماری در دیدگاه سوم یک علم پیشرفته است و با دیگر علوم ارتباط تنگاتنگی دارد.

۴. نظم چندسویه فراگیر: در این حالت تمام استعدادهای محیطی، ارتباطات اجزاء و نیروهای موجود در محیط توسط طراح به کارگرفته می‌شود (ارتباط فراشهودی طراح با محیط) و نسبت به تغییرات محیط اعم از مادی و غیر مادی واکنش نشان می‌دهد. این فرایند تا پایان طراحی و حتی در دوره ساخت و بهره‌برداری ادامه دارد. حاصل شکلی این طرح ممکن است کاملاً منظم مانند بافت‌های سامان‌مند سازوارانه باشد و یا از نظر ظاهر کاملاً بی‌نظم به نظر رسد. نظم این مجموعه درونی است.

در این سامانه انسان و محیط مانند یک پیکره زنده هستند و انسان در این مجموعه عضو فعال و اثرگذار است. این سامانه باز است و دایم در حال تغییر و بازسازی خود است. بنابراین انسان نسبت به محیط پیرامون خود بی‌تفاوت نیست، بر محیط تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود.

زهر یک نقطه زین دور مسلسل / هزاران شکل می‌گردد مشکل
زهر یک نقطه دوری گسته دایر / هم او مرکز هم او در دور سایر
(شبستری)

اجزای سامانه، مانند کل سامانه است. جزء، نماینده کل است و ساختار کل سامانه واحد منسجم و غیر قابل تقسیم است. در این سامانه انسان و محیط در یک ابرسامانه قرار گرفته و هر عمل و اندیشه‌ای توسط انسان بر تمام هستی تأثیر می‌گذارد. این دیدگاه مطابق دیدگاه اسلامی و سنتی به انسان و هستی است. البته در علم جدید^{۱۵} این دیدگاه ملموس‌تر و از نظر علمی نیز کسب معقولیت کرده است. معماری در این دیدگاه از حوزه علم به فرا علم تبدیل می‌شود. همان چیزی که در اندیشه گذشته به نام «حکمت» از آن نام برده می‌شود [عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸۷]. معماری متناسب با این اندیشه معماری حکیمانه است. در این دیدگاه همه نسبت به او هم مسئولند. معمار از آنجا که وظیفه عمران و آبادی زمین به او واگذاشته شده است [قرآن کریم: هود، ۶۱: ۱۱]، مسئولیت دارد. معمار حکیم، نقش جانشین خدا در زمین را دارد [قرآن کریم: فاطر، ۳۹: ۳۵] و در برابر این جانشینی مسئول است [قرآن کریم: یونس، ۷۳: ۱۰]. بنابراین رعایت تمام روابط و هم‌نشینی اشیاء را باید بنماید.^{۱۶} حکیم جایگاه هر شیء را در ارتباط با دیگر اشیاء بر اثر داشتن برترین دانش‌ها می‌داند و معمار حکیم استعدادهای درونی اشیاء را کشف کرده و در جهت برقراری بهترین ارتباط بین آنها، دست به تغییر طبیعت می‌زند. او ارتباط اشیاء را با کل کیهان می‌بیند و عمل می‌کند. اینجاست که معماری وجه مقدسی به خود می‌گیرد [نصر، ۱۳۷۹: ۱۳]. بر پایه چنین اندیشه‌ای تمام اجزای مختار طبیعت نسبت به کل طبیعت مسئولند و از این رو امر به

معماری و فضاهای شهری باشد.

• جاودانگی یا مرگ

یکی از ویژگی‌های اندیشه سنتی، نگاه به جاودانگی است. جاودانگی را نمی‌توان از چیزهایی که مرگ دارند انتظار داشت. دوست داشتن هر چیز در این اندیشه به میزان جاودانگی آن چیز بستگی دارد و تنها چیزی که جاودانه است و جاودانگی می‌بخشد، دارنده و بخشنده آن است. دیگر چیزها همه مرگ را خواهند چشید [قرآن کریم: العنکبوت، ۵۷: ۲۹] و هر خورشیدی سرانجام افول می‌کند [قرآن کریم: الانعام، ۷۶: ۶]. این بیانگر این معنی است که در این جهان چیز دل بستنی وجود ندارد و دل به چیزی باید بست که مرگ ندارد. از آنجایی که ظاهر طبیعت داریم در حال تغییر و گوناگونی است، جاودانگی از آن نباید طلب کرد. با این مقدمه شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که شکل شهر سنتی نباید القای جاودانگی کند و تغییر و دگرگونی دائم، یکی از مؤلفه‌های شهر سنتی است.

جهان کل است در دهر هر طرفه العین / عدم گردد و لایقی زمانین
اگر باره شود پیدا جهانی / به هر لحظه زمین و آسمانی
در آن چیزی دو ساعت می‌نپاید / در آن ساعت که می‌میرد بزاید
(شبستری، گلشن راز)

• تعادل

جهان چون چشم و خال و خط و ابروست
که هر چیزی به جای خویش نیکوست

(شبستری، گلشن راز)

فارابی در کتاب «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله» یکی از مؤلفه‌های مدینه فاضله را «عدالت» بر می‌شمرد. او چنین می‌گوید: «(عدالت) امری است نسبی در نزد مردم مدینه‌های فاضله، و عدالت این است که همه به سعاد و کمال افضل خود برسند، همه زندگی کنند، همه به زندگی خود ادامه دهند، جنگ و ستیز از میان برداشته شود، هر عضوی وظیفه خود را انجام دهد. لاجرم همه اعضا سالم می‌مانند و به حیات و زندگی خود ادامه می‌دهند، همه تابع یک رهبر و فرمانده باشند و آن فرمانده نیز مظهر اراده خود و عقل فعال باشد، و حکیم و دانا و متصف به اخلاق حمیده باشد، هیچ عضوی از اعضای جامعه به حقوق و وظایف دیگری تعدی نکند» [فارابی، ۱۳۷۹: ۳۹].

تعادل از واژه عدل آمده است. عدل، قراردادن هر چیزی در محل قرارگاهش است. یعنی اشیاء برای قرارگیری در قرارگاهشان، قرارگاهی دارند که در آن صورت قرار می‌گیرند. عدل باعث به وجود آمدن امنیت، آسایش و قرارگرفتن دل می‌شود و تعادل به معنی قراردادن هر چیز در جای خود است و این یعنی بین یک چیز و دیگر چیزها در قرارگیری‌شان ارتباطی دایمی وجود دارد و از این رو شکل عدالت در هر لحظه متناسب با نیاز چیزها متغیر و متحول است. در صورتی که اصل عدالت یعنی قرارگیری هر چیز در جای خود یک اصل تغییرناپذیر و یک سنت الهی در طبیعت است. از نظر

ابراهیمی عدل مشخصه روح مطلوب شهر اسلامی است [ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۹].

تعادل در شکل شهر ممکن است ظهورات متنوعی داشته باشد. گاهی در قراردادن اشیاء و مصالح در کنار هم و گاهی همجواری گیاه و حیوان و در نهایت همنشینی همه اینها با انسان و ابعاد وجودی او (روح و جسم) است. این معمار است که با دانش فراگیر خود شکل قرارگیری اشیاء و ارتباط آنها را با انسان برقرار می‌کند.

• به هم پیوستگی از درون

به عقیده مارتین لوترلینگ "همه حیات پیکره‌ای است از درون به هم پیوسته. همه انسان‌ها در شبکه گریزناپذیری از رابطه متقابل گرفتارند، و سرنوشت واحدی بر سرشان سایه افکنده است. آنچه یکی را مستقیماً متأثر می‌سازد، غیر مستقیم، بر دیگران تأثیر می‌گذارد. من هرگز نمی‌توانم آنچه باشم، بی‌آنکه شما، آنچه باید باشید، باشید؛ و شما هرگز آنچه باید باشید نخواهید بود، مگر آنکه من آنچه باید باشم، باشم. واقعیت یک ساختار از درون به هم پیوسته است" [به نقل از طلایی مینایی، ۱۳۸۲: ۱۰۳] به عقیده نورث واتیتهد و دیوید بوهم "حتی ذرات تجزیه‌ناپذیر درون اتمی نیز دارای ذهنی از خود هستند، و (بر خلاف فیزیک نیوتنی) خود، گزینشگرند، چنانچه گویی موجودی ذی شعورند که برای خویش به اختیار، انتخاب می‌کنند" [همان: ۶۶].

ظاهر طبیعت، گوناگون و ناپیوسته به نظر می‌آید در حالی که از منظر اندیشه سنتی از درون به هم پیوسته است. گوناگونی، ناشی از ظاهر شدن باطن است. زیرا باطن نامحدود است و ظاهر محدود و گوناگونی طبیعت ناشی از تجلی باطن نامحدود در ظاهر محدود است. باطن در ظاهر، هر لحظه، طوری دیگر است. نامحدود در محدود به میزان قابلیتش ظاهر می‌شود. ظاهر و باطن به هم پیوسته هستند و جدای از هم نیستند. بنابراین در ظاهر گوناگون طبیعت نیز وحدت و یگانگی حاکم است. در اندیشه اسلامی و سنتی، طبیعت و هر آنچه در آن است، در یک شبکه واحد تجسم می‌شود. خلل در یک گوشه طبیعت باعث خلل در کل هستی است.

اگر یک ذره را برگیری از جای / خلل باید همه عالم سراپای
(شبستری، گلشن راز)

به همین نسبت در جامعه انسانی نیز این ارتباط وجود دارد. دیدگاه شبکه‌ای به هستی، قابل توسعه به جامعه انسانی و کالبد شهری و معماری نیز هست. از این رو حساسیت افراد به سرنوشت دیگران یکی از خصیصه‌های زندگی و شهر سنتی است.

بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به در آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی
(سعدی)



تصویر ۵. روستای اورامان کردستان. مأخذ : www.akkasee.com
 Fig5. Oraman Village in Iran's western Kurdistan province.
 Source: www.akkasee.com



تصویر ۶. یک سکونت‌گاه روستایی در کشور لیبی. مأخذ : www.libyan-td.com
 Fig 6. A village in Libya. Source : www.libyan-td.com



تصویر ۷. یک سکونت‌گاه روستایی در کشور نیجریه. مأخذ : www.motherlandnigeria.com

Fig7. Allocation of small villages to prepare for the war.
 Source : <http://www.motherlandnigeria.com>

• شباهت یا گوناگونی

گاهی دو چیز را به هم شبیه می‌شود و گفته می‌شود یک سکونت‌گاه شبیه سکونت‌گاه دیگری است و شباهت را عامل وحدت‌بخش می‌دانند. اما با توجه به متون سنتی، طبیعت ترقص اطوار وجود است [چیتیک، ۱۳۸۴: ۲۴۱] از این رو در هر لحظه طوری دیگر است، از این رو تکرارپذیر نیستند. به عبارتی یکی از مؤلفه‌های حاکم بر طبیعت، گوناگونی است [قرآن کریم : الحجرات، ۱۳ : ۴۹]. بر این پایه، اگر سکونت‌گاه‌های سنتی بر پایه نظم طبیعت شکل گرفته باشند، می‌توان گفت تمام سکونتگاه‌ها و بافت‌های روستایی و بومی منحصر به فرد هستند و شبیه کردن یکی به دیگری درست نباشد. زیرا نیروهای تأثیرگذار در هر بافتی متفاوت و نظم شکلی هر یک نیز متفاوت است. طبیعی شکل گرفتن بافت سکونتگاه‌ها، باعث گوناگونی و پیروزی از نیروهای طبیعت نیز عامل وحدت در بین شکل روستاهای بومی شده است. از این رو می‌توان بافت روستاهای ایبانه (نطنز)، اورامان (تصویر ۵)، ماسوله (گیلان) و الولک (قزوین) و یا سکونتگاه‌هایی در دیگر کشورها (تصاویر ۶ و ۷) را در عین اینکه گوناگون هستند، عنصر وحدت‌بخش به شکل بافت روستاها را تبعیت از نیروهای طبیعت دانست. این روستاها شکل خود را از طبیعت اقتباس کرده؛ یعنی مطابق با نظم طبیعت و محیط شکل گرفته و از مصالح بومی و در اختیار، استفاده کرده‌اند. بنابراین هیچ کشاکشی با بوم و محیط خود ندارند.

۲۴/۶۷

• تغییر مدام و خلقی جدید (خلق نوبه نو)

فی‌الجمله اعتماد مکن بر ثبات دهر/ کاین کارخانه ایست که تغییر می‌کند (حافظ، دیوان اشعار)

اگرچه هم‌نشینی اشیاء بر اساس نیاز طرفین است و در پی هم‌نشینی قرار و آرامشی حاصل می‌شود، اما در هم‌نشینی جدید در همان لحظه که آرامش به وجود می‌آورد، نیاز جدیدی را خلق می‌کند. از این رو طبیعت دایم در حال تغییر است و در هر هم‌نشینی، اشیاء به نوعی کمال رسیده و در اثر این کمال، آرامش به وجود می‌آید. اما این کمال لحظه‌ای بیش نمی‌باید و نیاز جدید، کمال و یا هم‌نشینی جدیدی را طلب می‌کند. این باعث تغییر دایم طبیعت و هر لحظه جلوه‌ای جدید از باطن هستی ظاهر می‌شود.^{۱۵} این مطلب قابل اطلاق به معماری و شهرسازی متناسب با این اندیشه نیز هست یعنی شهر سنتی در هر لحظه در حال تغییر برای رسیدن به کمال است، بنابراین تغییری که به سمت کمال است یکی از مؤلفه‌های شهر سنتی است. در اینجا باید تعادلی بین تغییر دائم شهر و آرامش و سکون به وجود آید. تغییر سریع باعث سردرگمی و اغتشاش ذهنی مردم شهر شده و ثبات و عدم هماهنگی با شرایط پیرامون (زمانی و مکانی) نیز باعث خستگی مردم می‌شود. از این رو تعادلی بین تغییر و ثبات نیاز است. نواخت تغییر بستگی مستقیم به تغییر شرایط پیرامون دارد. گاهی کند و گاهی تند است، اما هرگز ایست ندارد.

"در جهان بینی کوانتومی دنیا بی‌هدف و بی‌معنا نیست بلکه برعکس سرشار از هدف است، همواره در حال خلق هدف‌های همیشه در حال

تغییر است و در معرض هر نوع کیفیات متمایز آبی، و گونه‌گونی در دل وحدت" [طلایی، ۱۳۸۲: ۸۴].

مسئولیت نسبت به هم و جمع‌گرایی

اگر بر پایه آنچه گفته شد، پذیرفته شود که طبیعت و انسان در یک ارتباط متقابل و شبکه‌ای قرار دارد، مسئولیت انسان در این شبکه؛ که عضو نسبتاً مختار این شبکه است؛ مشخص می‌شود. طبق اندیشه سنتی که معتقد است انسان نقش خلیفگی دارد، انسان نسبت به دیگر انسان‌ها و طبیعت مسئول است یعنی مورد سؤال واقع خواهد شد. به نظر می‌رسد مدل تربیتی شهر اسلامی و سنتی بر این پایه درون‌زا است. یعنی تمامی افراد جامعه سنتی به تنهایی در نقش حاکم ظاهر می‌شوند و در همان حال تمام افراد جامعه سنتی در نقش یک عضو معمولی نیز هستند. همه اجزای جامعه نسبت به هم وظایفی دارند. اگر یکی از مؤلفه‌های تفکر مدرن فردگرایی است در تفکر سنتی این رابطه ویژه است. به عبارتی جمع بودن و باهم بودن یکی از مؤلفه‌های جامعه سنتی است به طوری که جامعه سنتی را نمی‌توان کاملاً یک جامعه سوسیالیستی دانست و همچنین گفت که جامعه سنتی یک جامعه فردگرا است. بلکه تعادلی بین این دو برقرار است. نقش مردم و حاکم مردم در رابطه الهی آنها نهفته است؛ از این رو نوع حکومت جامعه سنتی نیز با دیگر جوامع متفاوت است. حاکم اسلامی در پی وظیفه الهی مسئول نامیده می‌شود یعنی مورد سؤال واقع می‌شود. مناسک و آیین‌های دین اسلام غالباً جمعی هستند و سفارش فراوانی به برگزاری آنها به جمع شده است. اگر آیین‌ها نمادی از زندگی واقعی مردم مسلمان فرض شود، نقش مردم، معماران و شهرسازان در زمینه‌سازی این زندگی جمعی خاص، مشخص می‌شود.

در متون عرفانی حرکت جامعه سنتی به سمت هدف متعالی در قالب‌های متفاوتی، به تمثیل و اشاره آمده است. مثلاً قصه سیمرغ و سی مرغ عطار، یکی از آنها است. در دعاهایی که در قرآن کریم آمده نیز از ضمیر جمع استفاده شده^{۱۶} و دست خداوند در جماعت ظاهر می‌شود.^{۱۷}

ارتباط بین اجزا و اجزا با کل

همان طور که در قسمت قبل آمد نوع مدیریت و تربیت جامعه اسلامی درون‌زا است؛ یعنی در دل هر فردی از جامعه اسلامی یک حاکم قرار دارد و هر فردی در این جامعه خود یک شهر بلکه یک عالم است.^{۱۸} وظیفه حاکم، رساندن جامعه به سمت کمال است، او مسئول است و افراد جامعه نیز چنینند. چون هدف مشخص است، تفرقه وجود ندارد

و از این رو در شهر سنتی اسلامی بر تمام اجزا وحدت حاکم است. به عبارتی، بین اجزا و اجزا با کل هستی ارتباط دائمی متناسب با دیدگاه شبکه‌ای وجود دارد. به تناسب آن نیز در شهر سنتی بین اجزا ارتباط دائمی وجود دارد که با کل هستی مربوط است. از این رو در طراحی معماری و طراحی شهری کل اجزا مشارکت داشته و طراح نیز قاعدتاً بایستی آشنا به روابط اجزا با هم و رابطه اجزا با کل باشد. از این رو نگرش در پدیده‌های شهری و معماری، پدیدارشناسی کلاسیک نیست، بلکه پدیدارشناسی هرمنوتیکی است.^{۱۹} از سویی، ارتباط جزء و کل به شکل دیگری در اندیشه سنتی قابل تعریف است و آن این است که هر جزء نماینده کل است و طرح و الگوی کل و جزء متناسب با هم است و نمود شکلی و ظاهری شاید مطابق با هندسه برخال (فرکتال) باشد.

• طبیعی بودن

طبیعت در تعریف سنتی با دیگر تعاریف متفاوت است از این رو نوع برخورد با آن متفاوت است. طبیعت در دیدگاه سنتی، هوشمند است و نسبت به تغییرات واکنش مناسب نشان می‌دهد. طبیعت چند وجهی و لایه لایه است و در عین حال به هم پیوسته است. معماری و شهرسازی متناسب با این مدل نیز قاعدتاً چند لایه و در عین حال به هم پیوسته است و نسبت به تغییرات پیرامون واکنش مناسب نشان می‌دهد. نمود آن گاهی هماهنگی شکلی شهر با شکل طبیعت است و گاهی هماهنگی روح شهر سنتی با روح طبیعت است. در این میان لایه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌تواند در شهر سنتی نمود داشته باشد. یکی از مؤلفه‌های حاکم بر طبیعت وحدت در تمام شئون آنست که اگر در شهر سنتی نمودار شود می‌توان گفت که شهر طبیعی یا سنتی است. اندیشمندانی وحدت موجود در شکل و ساختار شهرهای گذشته ایران را نشان تفکر اسلامی در باب امت واحده می‌دانند [معماریان، ۱۳۸۴: ۱۲۵].

• بهره‌گیری از طبیعت به اندازه و بجا

انسان در این دیدگاه نسبت به طبیعت مسئول است. از این رو بهره‌برداری از طبیعت در شهر سنتی اسلامی به اندازه و به جاست^{۲۰} و از این رو هر فعالیتی در طبیعت باید فایده‌ای به حال مردم داشته باشد. بنابراین یکی از اصول حاکم بر شهر سنتی-اسلامی اصلت فایده بر فعالیت‌ها و دخل در طبیعت است. فایده در یک نظم شبکه‌ای دو سویه است؛ یعنی اگر انسان از طبیعت سود می‌برد، طبیعت نیز از این فعالیت باید سود ببرد. اگر وظیفه انسان در روی زمین استعمار آن است چنین می‌توان پی برد که استعمار فایده چند سویه انسان و طبیعت را در بر دارد.

اگر موجودات طبیعت به اندازه نیاز واقعی خود از طبیعت بهره‌برداری نمایند، کمبودی در طبیعت به وجود نمی‌آید. شاید معنی پایداری را بتوان از این منظر جستجو کرد.

در تمام شهر، از کل تا اجزاء است که به شکل سلسله مراتب درون به بیرون، سلسله مراتب نور و تاریکی، سلسله مراتب خصوصی و عمومی، سلسله مراتب خلوت و شلوغ و... ظاهر می‌شود.

• شهر انسان، شهر هدایت، شهر خدا

شهر انسان است نی ظرف گلین

مسکن ایمان است، نی چاه زمین

«شهر انسان» را هدف معراج هوست

این زمین راه است، «شهر عشق» اوست

[علی آبادی، ۱۳۸۵: ۵۹۵]

در ابرانگاره سنتی-اسلامی، انسان کامل خود را شهر حکمت می‌داند که این شهر همان بهشت است.^{۳۲} این شهر اجزایی دارد. چنین به نظر می‌رسد که قوام شهر سنتی به انسان است و هدف شهر سنتی هدایت است و تمام اجزا آن نیز در مسیر هدایت تعریف می‌شوند.^{۳۳} مقصد هدایت انسان، خدای گونه شدن انسان است یا به تعبیر این عربی، تجلی تمام اسماء خداوند که فقط از انسان کامل بر می‌آید. نقطه کمال هر انسان، مانند خدا شدن است. به تعبیر قرآن کریم هیچ چیز، مانند او نیست بلکه می‌تواند مانند مثل او شود و مثل اعلائی خدا، بنده کامل است؛ یعنی انسان کامل، بنده کامل است. از این رو شهر سنتی، «شهر بندگی» نیز نام دارد. از این رو می‌توان شهر سنتی را شهر تسلیم در مقابل امر خداوند نامید و یا به عبارتی آن را «اسلامی» نامید. در این حالت، انسان (عالم صغیر) خود شهری و یا عالمی است که به مراتب از عالم کبیر (طبیعت) بزرگتر است. مؤلفه‌های دیگری برای شهر سنتی می‌توان جست که محدودیت طبیعی مقاله مجال آن را نمی‌دهد.

گر به اندازه قدر تو و صدر تو زیند

کس در ایوان تو بر نگذرد از صف نعال^{۳۱}

ظهور این موضوع در شکل شهر «اندازه‌مندی» متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان شهر است. اندازه قطعات، نوع استفاده از فضا، بهره‌گیری از مصالح، بهره‌گیری از منابع طبیعت همه بر پایه این تناسب تعریف می‌شود. از این رو شاید بتوان گفت شکل شهر سنتی از نظر هندسه اندام‌واره (ارگانیک) است.

• تطابق نظامات

اگر طبیعت، انسان و معماری را در نظر بگیریم که دارای روح، نفس و جسم است تطابق و تناظری بین این سه وجود دارد و نظم واحدی بر همه آنها حاکم است. بنابراین پایه شهر و معماری فقط کالبد و جسم نیست و پرداختن به شهر بدون در نظر گرفتن روح و نفس، معماری و شهرسازی، مطابق با نظم طبیعت نخواهد بود. طبیعت بر طبق نظر ابن عربی، حدی بین جسم و روح است (این محدوده را می‌توان نفس طبیعت نامید) این حد فاصل را خیال می‌نامد چون نه جسم است و نه روح و هم جسم است و هم روح. از این رو نام دیگر آن «برزخ» است. بنابر این مقدمه می‌توان گفت؛ معماری مطابق با این نظم نیز دارای چنین مراتبی است. نفس انسان نیز با این دیدگاه، خیال است. نفس طبیعت هم خیال است. از این رو انسان، طبیعت و شهر و معماری موجوداتی خیالی یا بینابینی یا برزخی هستند که در دیدگاه سنتی بین ساختار و نظم آنها تطابق وجود دارد. از آنجایی که طبیعت، انسان و معماری در یک سامانه شبکه‌ای تصور شد، از این رو تأثیر هر بخشی بر دیگر بخش‌ها نیز قابل تأمل است. ظهور این موضوع در شکل شهر، پیدایش فضاها و بینابینی و خیالی

نتیجه‌گیری

* نظم شهر سنتی نظامی همه جانبه، زمینی و آسمانی است. یعنی زمین و شهر سایه آسمان است. هدف شهر سنتی بسترسازی برای رسیدن انسان به هدف عالی خلقت یعنی بندگی انسان است. در این راستا ایجاد آرامش و امنیت یکی از مؤلفه‌های غیر شکلی شهر سنتی است. بالاترین مرحله آرامش و امنیت، آرامش قلبی یا به امنیت رسیدن عقل است و این میسر نمی‌شود مگر با بندگی و بندگی کامل مثل خدا عمل نمودن بنده است.

* شهر سنتی دارای شکل خاصی نیست، یعنی نمی‌توان با یک شکل خاص، شهری را سنتی کرد. انسان‌ها در شهر سنتی مهم‌ترین اعضای شهر هستند. کالبد و شکل سنتی شهر در پی مردم سنتی حاصل خواهد آمد. شکل حاصل آمده منحصر به فرد است. قابلیت تکرار در جاها و زمان‌های دیگر را ندارد.

* ظاهر و باطن شهر سنتی به هم پیوسته است. شهر سنتی دارای جسم و روح است. اجزای شهر سنتی (اجزای مادی و غیر مادی، و محسوس و نامحسوس) در تعادل و تعامل و ارتباط هستند. گوناگونی در عین وحدت از مؤلفه‌های شکل شهر سنتی است.

* سکونت‌گاه سنتی محدوده فیزیکی ندارد. یک دخمه، یک کلبه و یا یک شهر و حتی جهان می‌تواند سنتی باشد. تمام اجزای مختار شهر سنتی نسبت به هم مسئول است. به عبارتی جمع‌گرایی و باهم بودن یکی از مؤلفه‌های شهر سنتی است و مراحل کامل تر شهر سنتی در پوشش واحد قرار گرفتن تمام طبیعت اعم از انسان و دیگر اجزای طبیعت است.

* شهر سنتی با تمام اجزای طبیعت در سازگاری است. از این رو مانند طبیعت، کالبد آن دایم در حال تغییر است در حالی که روح شهر مراحل تکاملی خود را طی می‌کند. تغییر مدام یکی از مؤلفه‌های شهر سنتی است. از این رو نام شهر سنتی را می‌توان شهر طبیعی نیز نامید. گاهی در متون از شهر سنتی با عنوان‌های شهر ابراهیمی، شهر محمدی، شهر اسلامی نیز نام برده می‌شود و به نظر می‌رسد در حوزه معنایی هر کدام از تعابیر یاد شده اشتراک داشته باشند. از این رو می‌توان چنین تصور کرد که مانند دایره‌های داخل هم هستند که به سادگی نتوان گفت که دایره بزرگتر؛ دایره شهر اسلامی، شهر ابراهیمی و شهر محمدی یا دایره شهر سنتی و یا حتی شهر طبیعی است.

* در نظم شهر سنتی هر چیزی جایی دارد که در جای خود آرام می‌گیرد و معنی عدل نیز قرارگیری اشیا در جای خود است از این رو یکی از مؤلفه‌های شهر سنتی، ظهور عدالت است. از ویژگی‌های دیگر شهر سنتی که در سایه ظهور عدالت حاصل می‌شود؛ حکمت، امنیت، تغییر مدام به جهت پاسخ به نیازهای جدید، ارتباط اجزا با هم و همه با کل، بهره‌گیری اجزا از طبیعت به اندازه و به جا و در نهایت هماهنگی نظامات در شهر و طبیعت است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به: [حبیب، ۱۳۸۰]. در رساله مباحث نظری در مورد شکل شهر به طور کلی، و به طور خاص معنای شکل شهر و چگونگی حصول معنی از طریق شکل شهر با هدف حمایت از توقعات روانی انسان‌ها از فضاهای شهرسان در خلق، ارتقاء و احیاء و کیفیت معنادار بودن محیط طرح شده است.
۲. معانی سکن را می‌توان از معنی عکس و خلاف آن هم دریافت و آن این است که سکن در برابر اضطراب و حرکت آمده است [مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۱۶۲].
۳. نک به: علی آبادی، ۱۳۸۵.
۴. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: **الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا** [سید رضی، ۱۴۱۴ ق: ۵۵۳]
۵. رجوع شود به: لغت‌نامه دهخدا
۶. **لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَ عُشْيًا** (۶۲) مریم "لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيهَا" "إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا"
۷. بیت محل قرار است. بیت از مادّه بات بیبت بیبته گرفته شده که معنی شب را بسحر گذرانیدن می‌باشد و مراد کعبه است که ابراهیم به دستور پروردگار بنا نهاد و از نظر تشریف از شعائر الهیّه شمرده شد و از آن تعبیر بیبت عتیق فرمود در کریمه «**وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ**» [حج: ۳۴] به تناسب اینکه هنگام طوفان نوح از غرق و فرو رفتن در آب ایمن ماند و در کریمه «**أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي**» به طور اضافه تشریفی به مقام ربوبی اسناد داده شده [حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳۶].
۸. سکن: جهان، کون [فرهنگ ابجدی عربی فارسی: ۸۲۰].
۹. بلد به معنی شهر نیست و معنای آن چنانکه از خود قرآن نیز به‌دست می‌آید، سرزمین و دیار است و در اصطلاح فعلی، عرب‌ها (سال ۱۳۹۰ قمری هجری) به مالک، بلاد می‌گویند. در قاموس گوید: "البلد و البلده... کلّ قطعته من الارض مستخیره عامره او غامره" در اقرب الموارد آمده: "البلد و البلده کلّ موضع من الارض عامرا او خلاء" راغب گفته: بلد مکانی است محدود و معین و محل انس به اجتماع ساکنین و اقامتشان، جمع آن بلاد و بلدان است [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵].
۱۰. قضیه "جان استوارت بل"، نظریات فیزیک‌دان انگلیسی "دیوید بوهم"، فیزیک کوانتوم، تئوری گایا و تئوری آشوب
۱۱. خلیفه کسی یعنی جانشین آن کس است خلیفه خدا یعنی آن گونه عمل می‌کند که خدا عمل می‌کند و امام علی علیه‌السلام یکی از صفات خداوند در آفرینش طبیعت را آشنایی خداوند به هم‌نشینی اشیاء با هم می‌داند. "عارفا بقرائنها و احنائها" خطبه یکم [سید رضی، ۱۴۱۴: ۴۱].
۱۲. اشاره به حدیثی دارد که امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: بنده از تقرب به مقامی می‌رسد که خدا دست او می‌شود و چشم او می‌شود [اصول کافی ج ۴: ۵۴].
- همچنین ر.ک. به: [انصر، ۱۳۸۲: ۱۲۱].
۱۳. امن: خاطر جمع، کسی که در او ایمنی است و یا شهری که ایمن است "مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا" آل عمران: ۹۷ "رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا" بقره: ۱۲۶ [قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲۳].
۱۴. الْأَمْنُ: طمأنینه النفس و زوال الخوف [طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۰۲] امن: ایمان، تصدیق، این واژه ضدّ (الکفر) است، گرایش و عقیده‌راسخ به آنچه خداوند وحی فرموده است [مهیار، بی‌تا: ۸-۴].
۱۵. ر.ک. به: احمدی دیسفانی، ۱۳۸۷. فصل سوم.
۱۶. رینا، آتنا، منا، توفنا، اهدانا و... واژگانی هستند که در دعاها قرآن کریم به صورت جمع آمده است.
۱۷. فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، (قال النبي صلى الله عليه و سلم). [ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۱۳].
۱۸. با برداشت از شعری که منصوب به امام علی علیه‌السلام است می‌توان دریافت که در درون انسان عالم اکبر پیچیده (منطوی) شده است. **أَتَزْعَمُ أَنْكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكُ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ** [طیب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲۶]
۱۹. ر.ک. به: خاتمی، ۱۳۸۲.
۲۰. فرمود: ... و اگر خانه‌ای به اندازه نشیمن داشته باشی، بر تو مبارک است (وحلال) و اگر بیش از اینها داشته باشی، مسئول خواهی بود [سلسگی نه‌اوندی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۴]
۲۱. وحشی بافقی، دیوان اشعار/ صف نعال: در مجلس آخرین ردیف که در انتهای مجلس قرار داشته و به محل کفش‌ها نزدیک است را «صف نعال» گویند. معمولاً کسانی که در آخرین ردیف و یا خارج از مجلس قرار می‌گیرند از مطالب مطرح شده در مجلس محروم هستند.
۲۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ بَابُهَا فَكَيْفَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَ لَا يَهْتَدِي إِلَيْهَا إِلَّا مِنْ بَابِهَا [صدوق، ۱۴۰۰: ۳۸۸].
۲۳. وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا مَدِينَةُ هُدًى فَمَنْ دَخَلَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ [صدوق، ۱۴۰۰: ۳۴۵].

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابراهیمی، محمد حسن. پاییز ۱۳۷۵. مدخل بحث درباره شهر اسلامی. فصلنامه آبادی ۶ (۲۲).
- ابن‌العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر. بی‌تا. احکام القرآن ابن‌العربی. بی‌جا: بی‌نا.
- احمدی دیسفانی، یداله. ۱۳۸۶. تأثیر پستی و بلندی بر بافت روستاهای حاشیه حوزه آبریز کویر مرکزی. طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- احمدی دیسفانی، یداله. ۱۳۸۷. تبیین جایگاه حکمت الهی در طبیعت و بازبینی نقش آن در معماری اسلامی. رساله دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- استرلن، هانری. ۱۳۷۷. اصفهان تصویر بهشت. ت: ارجمند، جمشید. تهران: نشر فروزان روز.
- الجرجانی، ابوالحسن الحسین بن الحسن. ۱۳۳۷. جلاء الازهان و جلاء الاحزان (تفسیرگازر). تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد. (بی‌تا). اصول کافی. تهران: انتشارات اسلامیه.
- چیتیک، ویلیام. ۱۳۸۴. عوالم خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان. تهران: هرمس.
- حافظنیا، محمد رضا. ۱۳۸۵. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوازدهم.
- حبیب، فرخ. ۱۳۸۰. تحلیل شکل شهر معنا و معیار. پایان‌نامه (دکترا) دانشگاه تهران. قابل دسترسی در: <http://database.irand.ac.ir>
- رؤیت شده: ۲۵ دسامبر ۲۰۱۰.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح. ۱۴۰۴ ق. آیات الأحکام (جرجانی). تهران: انتشارات نوید.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. ۱۴۰۴ ق. انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی.
- خاتمی، محمود. ۱۳۸۲. پدیدارشناسی دین. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- داوری اردکانی، رضا. ۱۳۷۵. ملاحظاتی در باب طرح مدینه اسلامی. فصلنامه آبادی. ۶ (۲۲): ۴-۱۱.
- دهخدا، علی‌اکبر. بی‌تا. لغت‌نامه. دسترسی با آدرس: <http://www.mibosearch.com> (رویت شده: ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸)
- دیلمی، احمد. ۱۳۷۶. طبیعت و حکمت: پژوهشی در برهان نظم. قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ق. المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول.
- رحمتی، انشاءالله. ۱۳۸۷. سنت‌گرایی و موانع فهم آن. ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، ۳ (۲): ۴.
- سعدی مصلح بن عبدالله. ۱۳۷۸. کلیات سعدی. تهران: نشر هستان.
- سلگی نپاوندی، علی. ۱۳۷۶. ارشادالقلوب. قم: ناصر، چاپ اول.
- شبستری، شیخ محمود. ۱۳۸۲. گلشن راز. تهران: زرین.
- شرویدینگر، اروین. ۱۳۶۱. حیات چیست. ت: م. زاهدی. تهران: انتشارات مولی.
- صدوق. ۱۴۰۰ ق. أمالی الصدوق. بیروت: اعلمی، چاپ پنجم.
- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵. مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طالبی مینایی، اصغر. ۱۳۸۲. گذری بر جهان‌بینی پسامدرن، وحدت وجود. ت: رضا افتخاری. تهران: رسا.
- طیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- عاملی، ابراهیم. ۱۳۶۳. تفسیر عاملی. مشهد: کتابفروشی باستان، ج ۱ و تهران: کتابخانه صدوق ج ۲. چاپ اول.
- علی‌آبادی، محمد. ۱۳۸۵. جایگاه حکمت در نگرش نمادین به هستی و معماری معناگر. تهران: مجموعه مقالات همایش ملی قرآن، ادب و هنر.
- علی‌آبادی، محمد. ۱۳۸۵. ضرورت وجود حیات، علم و شعور مدبر در طبیعت و تأثیر آن در فضای زندگی. تهران: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گفتگوی علم و دین.
- فارابی، ابونصر محمد. ۱۳۷۹. اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه و تحشیه: سید جعفر سجادی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۰ ق. کتاب العین. قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
- قرشی، سید علی‌اکبر. ۱۳۷۱. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه. چاپ ششم.
- گروتز، یورگ. ۱۳۸۳. زیبایی‌شناسی در معماری. ت: جهان‌شاه پاکزاد و دیگران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معاریب، غلامحسین. ۱۳۸۴. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: نشر سروش دانش.
- معین، محمد. ۱۳۸۴. فرهنگ فارسی معین. تهران: گلی.
- مهیار، رضا. بی‌تا. فرهنگ ابجدی عربی-فارسی. بی‌جا: بی‌نا.
- مورس، جیمز. ۱۳۶۸. تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی. ت: راضیه رضازاده، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۷۳. دوره کامل مثنوی. تهران: بهزاد.
- نصر، سید حسین. ۱۳۴۵. سه حکیم مسلمان. ت: احمد آرام، چاپ پنجم. ۱۳۸۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصر، سید حسین. ۱۳۷۹. انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد). ت: عبدالرحیم گواهی. چاپ دوم. ۱۳۸۳. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۴. دین و نظام طبیعت. تهران: انتشارات حکمت.
- ولف آلن، فرد و دیگران. ۱۳۸۴. متافیزیک از نگاه فیزیک (زمان‌ها و جهان‌های موازی). ت: شهریار تقی‌شهرستانی، تهران: نشر یاهو.

Reference list

- Quran
- Nahjolbalaghee
- Ahmadi.D.Y. (2008). *Tabeen-e jaygah-e hekmat-e elahi dar tabiat va bazbini-e naqsh-e un dar memari-e islami* [Clarify the sacred place of theosophy in nature and Islamic Architecture (Symmetry in nature and Architecture)] Unpublished thesis. Tehran: Islamic Azad university Research and Science branch.
- Aliabadi.M. (1-4 may 2006). *Zarorat-e vojod-e hayat, elm va shoor modaber dar tabiat va tasir un dar fazaye zendegi* [on deniable of existence of life, knowledge and managing intellect in NATURE and effect of such a vision in Mankind life]. First international congress on dialog between science and religion. Tehran.
- Aliabadi.M. (2006). *Jaygah-e hekmat dar negaresh-e namadin be hasti va memari mannagra* [the place of wisdom in a symbolic vision to do cosmos & symbolic Architecture]. National Quran, Adab and Art Conference.
- Ameli.E. (1984) *Tafsir-e Ameli [Ameli translated of Quran]*. Mashhad, Tehran: Bastan and Sadogh press.
- Chittick, W.C. (2005). *Imaginal words ibn al Arabi and the problem of Religious diversity*. Translated from the English by kakaii, G. Tehran: Basic Books. (Original work published in 1994)
- Davari, A.R. (1996). *Molahezati dar bab-e tarh-e madiney-e islami* [Ruminations' on Design of the Islamic Medina]. *journal of Abadi*, (22): 4-11.
- Ebrahimi, m.h (1996). Madkhal-e bahs darbarey-e shahr-e islami [An introduction to the Issue of the Islamic City]. *journal of Abadi*, (22): 12-19.
- Esterlan. H. (1998). *Image of paradise*. Translated from the English by Arjmand. J. Tehran: Foruzan Ruz press.
- Farabi A.M. (2000) *Andishehay ahle madineh fazeleh* [the people thought of ideal city]. Translated from the Arabia by Jafari.S.J. Tehran: Basic Books.
- Farahidi.K. A. (1988) *Ketab al ain*. Qom: Hejrat press.
- Ghorashi.S, A. (1993) *Ghamoss-e Quran* [dictionary of the Quran]. Tehran: Daralketab Aleslamiee.
- Grü tter, k.J (2004) *Ärchitektur: Grundlagen der Architektur- Wahrnehmung* [Fundamentals of architectural perception]. Translated from the Germany by Pakzad.J. Tehran: Shahid Beheshti University Press. (Original work published in 1987)
- Hafeznia. M.r. (1998). An introduction to the reserarch method in humanities. Tehran: SAMT press.
- Hosseini Hamedani.S.M, H (1982) *Anvar- e derakhshan* [Shinning light]. Tehran: Lotfi press.
- Hosseini Jorjani.S.A.A .(1982). *Ayat al ahkam*. Tehran: Navid press.
- Khatami.M. (2003). *Padidarshenasi-e din [Phenomenology of religion: A Meta theoretical approach]*. Tehran: Pajoheshgah-e Farhang va Andishe Eslami press.
- Mahyar.R. (n.d.). *Farhangh-e abjadi arabi- farsi* [An Arabic Persian Lexicon]. n.p.
- Memarian. GH. (2005) *Seiri dar mabani-e nazari-e memari* [A review in Fundamentals of Architecture Theatry]. Tehran: Sorosh-e-Danesh press.
- Moeein.M. (2005) *Farhang-e Farsi-e Moeein* [Persian lexicon Moeein]. Tehran: Goli press.
- Molavi.J. M. (1994). *Dorey-e kamel-e masnavi* [Molavi's poety]. Tehran: Behzad.
- Morris .J (1989). *Tarikh-e shekl-e shahr ta enghelab-e sanati* [History of urbon form before the industrial revolution]. Translated from the English by Rezazadeh.R. Tehran: Basic Books.
- Mostafavi.H. (1981). *Al tahghigh fi kalamat al Quran al karim* [An investigation in Quran]. Tehran: Bonghah-e tarjome va nashr-e ketab.
- Nasr, S, H. (1966). *Man and nature: The Spiritual Crisis of Modern Man*. translated from the English by Gavahi, A. Tehran: Basic Books. (Original work published in 1989)
- Nasr, S. H. (1966). *3Hakim mosalman* [Three Muslim philosophy]. Translated from the English by Aram, A. Tehran: Basic Books. (Original work published in 1966)
- Nasr, S. H. (2005). *Religion and the order of nature*. Translated from the English by Faghafuri, M. Tehran: Basic Books. (Original work published in 1997)
- Ragheb Esfahani.H.M. (1990). *Al mofradat fi gharib al Quran [Arabic lexicon]*. Damascus, Beirut: Dar-al-elm, al-dar-al-Shamiee press.
- Rahmati, E. (2007). *Sonnatgeraii va mavanee fahme un* [Traditionalism and the prevention of relizing]. *Journal of Ettelaa't Hekmat va Ma' refat*. (2): 4-9.
- Sadi.M.A (1997) *Koliyat sadi [Sa'di's poety]*. Tehran: Hestan press.
- Schrodinger. E. (1982). *What is wezen?*. translated from English by Zahedi.M. Tehran: Mola press.
- Selgi Nahavandi. A. (1997). *Ershad al ghlob [hearts guidance]*. Qom: Nasser press.
- Shabestari. M. (2003) *Golshan-e raz [Shbestari's poety]*. Tehran: Zarrin press.
- Sheykh-e Sadogh (1978). *Amali al sadogh*. Beirut: Aalami press.
- Talaii, M.A. (2003) *Erfan, zibaeeshenasi va shoor-e keyhani gozari ba jahanbini-e pasamoderni va wahdat al vojud* [theosophy, unity of being and cosmos sense, introduction on unity sense post modernity]. Translated from the English by Eftekhari.A. Tehran: Basic Books. (n.d.).
- Tarihi.F. (1996). *Majma al bahrayn*. Tehran: Ketabfrosh-e Mortazavi press.
- Tayieb.S, A. (1999) *Atyab al Bayan fi tafsir al Quran [A translate of Quran]*. Tehran: Islam press.
- Volf.A (2005) *Metaphysic az negah-e physic* [Meta physic from physic view]. translated from the English by Shahr.T. Tehran: yahoo press.

Traditional city structures from perspective of Islamic notions

Yadolah Ahmadi Disfani*

Mohammad Aliabadi*

Abstract

The purpose of this article is studying the city schema from the perspective of Islamic notions. The main question is what are the traditional schematic components and non-schematic components in the construction of a city in the Muslim world. The practical method is like the one used by Muslim scholars in their researches. Thus, the source documents in the research are Quran, narratives and scientists' views which have been used as basic knowledge and the widely accepted rational arguments and inferences. The results demonstrate that in a traditional city structure there is a multifaceted relationship between all components. Such a structure is earthly and heavenly; in other words, the earth is the shadow of the sky. The purpose of the traditional city structure is to develop the appropriate ground for the guidance of mankind to perfection which is absolute submission. It is through such submission that the individual finds peace of heart and the necessary ground would be developed for the emergence of justice. Traditional city structures are changing continuously in accordance with changes in the nature and the development of new needs. While having diversity, it has unity. On the other hand, the interconnection between the components has caused the elements of nature to be used in the traditional city structure properly and as much as necessary. Since the purpose of the traditional city structure is human being and human being has spirit and body, such a structure is shaped according to human being and his physical and spiritual needs. Accordingly, before establishing the city, the traditional human being must be created. Therefore, the objective in the traditional structure is beyond just establishing the framework of the city.

۳۰/۶۱

Keywords

Tradition, Habitat, Traditional City Structure, Shape of the City.

.....
*. Ph.D candidate in Architecture, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch of Islamic Azad University Tehran, Tehran, Iran.

yahmadi@riau.ac.ir

** Ph.D in architecture. professor of Urban and Architecture Faculty Iran Science and Industrial University, Tehran, Iran.

mohammad.aliabadi@gmail.com